

قرباغ نامہ:

تاریخ جدید قریباغ

میرزا ارشیم فنا

ترجمہ: سجاد حسینی

عضو هیات علمی دانشکاه مصق اردبیلی

سرشناسه	: فنا، میرزا رحیم، ۱۸۲۱ - ۱۹۳۲ م.
عنوان و پدیدآور	: قراباغ‌نامه‌ها: تاریخ جدید قراباغ / میرزا رحیم فنا: ترجمه سجاد حسینی.
مشخصات نشر	: تبریز: اختر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۶۹۹-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	: عنوان اصلی: Qarabağnamələr, 6002 .
یادداشت	: کتابنامه: ص: ۶۷ - ۶۹: همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: تاریخ جدید قراباغ.
موضوع	: قره‌باغ کوهستانی (جمهوری آذربایجان) -- تاریخ
موضوع	: آذربایجان (جمهوری) -- تاریخ
شناسه زود	: حسینی، سجاد، ۱۳۶۳ - مترجم
رده‌بندی کن	: ۱۳۹۲ ق/۳۶۹۹ DK
رده‌بندی دیویی	: ۹۲۰
شماره کتابخانه ملی	: ۳۰۶۱۰۷



قراباغ‌نامه‌ها: تاریخ جدید قراباغ

میرزا رحیم فنا

ترجمه، مقدمه و تصحیح: سجاد حسینی

عضو هیأت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

طراح روی جلد: لیلا قریشی

ناشر: انتشارات اختر / چاپ سبز / صحافی امین

چاپ اول ۱۳۹۵ / ۷۲ صفحه / قطع رقعی / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۷-۶۹۹-۸

مرکز فروش: تبریز- اول خیابان طالقانی، روبروی مصلی، نشر اختر

تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۵۵۳۹۳

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه مترجم
۲۱	تاریخ جدید قزاقان
۲۲	قزاقان
۲۴	حدود ایالت قزاقان
۲۵	حکومت پناهخان
۲۶	انتقال مرکز حکومت به شاهبولاق
۲۷	ملوک خمس
۲۸	دعوت به مهمانی پناهخان از طرف ملک شاه نظر
۲۹	رفتن پناهخان به گنجه باسار
۳۰	بنای قلعه شوشی
۳۰	کوچیدن به شهر شوشی
۳۱	حمله پناهخان به سوی گنجه
۳۱	در همان سال حاجی جلیلی شکیلو به سوی گنجه هجوم می‌کند
۳۲	اخبار واصله از ایران به پناهخان
۳۴	اخبار و حوادث متفرقه
۳۶	وفات کریمخان زند
۳۷	احوال مملکت ایران در بعد از وفات کریمخان
۳۸	جلوس آقا محمد شاه بر تخت سلطنت ایران

- ۳۸ روابط ابراهیم خان با خوانین همسایه
- ۳۹ رابطه دوستانه از طرف خان آوار
- ۳۹ رابطه دوستانه از طرف خان شکی
- ۳۹ رابطه با خان شیروان
- ۴۱ مقتول گشتن عبدالصمد بیگ
- ۴۱ رفتن لشکر ایران به آذربایجان
- ۴۲ محاصره قلعه پناه‌آباد
- ۴۳ آمدن آقا محمد شاه به آذربایجان و پناه‌آباد
- ۴۴ مقتول گشتن آقا محمد شاه قاجار در پناه‌آباد
- ۴۶ احوالات ملا به واتف
- ۴۹ بازگشت ابراهیم خان به قزاق
- ۵۰ جلوس فتحعلی شاه
- ۵۰ کمک قشون روسیه به گرجستان
- ۵۱ انتقال گرجستان تحت اختیار حکومت روسیه
- ۵۲ تسخیر گنجه توسط سبسیانوف
- ۵۲ دعوت کردن سبسیانوف از ابراهیم حیل خان و خان یروان جهت تابعیت روسیه
- ۵۳ مراجعت به خوانین قزاق و ایروان
- ۵۴ عهدنامه فی ما بین روسیه و ابراهیم خان
- ۵۶ آمدن ابراهیم خان از کورک [جای] به قلعه
- ۵۶ حرکت قشون آذربایجان به طرف قزاق
- ۵۹ پیوسته‌ها
- ۶۹ منابع و مأخذ

پیشگفتار

قرباغ‌نامه‌ها را باید یکی از شاخص‌ترین انواع تاریخ‌نگاری محلی مسلمان‌نشین‌های قفقاز جنوبی در قرن ۱۹ و ۲۰ م. دانست. این سنت تاریخ‌نگاری با آفرینش آثار ارزشمندی چون قرباغ‌نامه میرزا ادی که‌ل‌بگ و تاریخ قرباغ میرزا جمال جوانشیر قرباغی در اواسط قرن ۱۹ م. آغاز شد. موضوع تاریخ محلی قرباغ، پس از خلق این دو اثر، مورد توجه بسیاری از مورخان محلی، فرارگرفت و ده‌ها قرباغ‌نامه در سنت قدیم و جدید تاریخ‌نگاری محلی این دهانه، زبان‌های فارسی، روسی و ترکی آذربایجانی خلق شد.

با عنایت به اهمیت قرباغ‌نامه‌ها در بازسازی تاریخ منطقه مهم و استراتژیک قرباغ و تکمیل بسیاری از رویدادهای تاریخی شمال‌غرب ایران در دوران افشار، زند و قاجار، لزوم ترجمه و انتشار قرباغ‌نامه‌های غیر فارسی احساس می‌شود. در این مجال ترجمه «تاریخ جدید قرباغ» اثر میرزا رحیم فنا ارائه می‌شود.

مقدمه مترجم

میرزا رحیم فنا، نویسنده «تاریخ جدید قراباغ» در سال ۱۲۵۷ هـ.ق. / ۱۸۴۱ م. در شهر شوشی، مرکز خان نشین قراباغ، متولد شد و تحصیلاتش را نزد یکی از برجسته ترین علمای شوشی بنام میرزا عبدالقاسم، اخذ کرد.

پدرش میرزا محمدباقر، میرزای دربار مهدی قلی خان جوانشیر بود و به امور دخل و خرج وی رسیدگی می کرد. بعد از مرگ میرزا محمدباقر در سال ۱۲۸۹ هـ.ق. / ۱۸۷۲ م. این مسئولیت به فرزندش میرزا رحیم فنا سرده شد.

وی در ۲۲ بهمن ۱۳۰۹ هـ.ش. / ۱۱ فوریه ۱۹۳۱ م. در کردستان گذشت. XIX asr
(Azərbaycan şəri antologiyası, 2005: 309)

فنا در سال ۱۲۸۰ هـ.ق. / ۱۸۶۴ م. به هنگام خدمت در نزد خورشید بانو ناتوان، او

۱. خورشید بانو ناتوان، دختر مهدی قلی خان جوانشیر قراباغی، آخرین خان قراباغ، در سال ۱۲۴۶ هـ.ق. / ۱۸۳۰ م. در شهر شوشی دیده به جهان گشود. وی تحصیلاتش را در نزد معلمان خصوصی فرا گرفت. ناتوان علاوه بر زبان مادری اش ترکی آذربایجانی، به زبان های فارسی و عربی تسلط داشت. فضای ادبی حاکم بر شهر شوشی و خانواده ناتوان، موجب گرایش او به شعر و شاعری شد. ناتوان در همان ایام جوانی به سرایت شعر در دو زبان ترکی آذربایجانی و فارسی روی آورد. وی همچنین به عنوان یک فعال اجتماعی و مدنی در بسیاری از مسائل مربوط به قراباغ ایفای نقش نمود. دستگیری از بی بضاعتان، انتقال آب به شهر شوشی.

را در تأسیس انجمن ادبی «مجلس انس» شوشی یاری کرد.

خاطرات او دربارهٔ این انجمن ادبی، به صورت ضمیمه در کتاب دو جلدی «ادبیات آذربایجان» چاپ شده است (Axundov, "ön söz". Tarixi-cadidi-Qarabağ, 2006: 8. باغبان کریمی، ۱۳۸۲: ۵۸).

وی ابتدا با تخلص «عاشق» و بعدها با تخلص «فنا» به دو زبان ترکی آذربایجانی و فارسی شعر سرود. اکثر این اشعار مفقود شده و تنها تعداد معدودی آن به یادگار مانده است (XIX asr Azərbaycan şeri antologiyası, 2005: 309).

پیر محسن نواب دربارهٔ شخصیت علمی و ادبی فنا می‌نگارد:

«جناب عارف آداب میرزا رحیم بن مرحوم میرزا محمدباقر [...] عارف‌ترین [فرد] زمان - ریش - است. [او] شعر را بسیار دوست می‌دارد و خود نیز شعر می‌سراید» (نواب، ۱۹۱۳: ۶۰).

فنا در اوایل قرن ۲۰ در شهر تخصصان برجسته تاریخ قرار داشت و مرجع مناسبی برای پاسخ به مجهولات تاریخی بود.

بعد از انتشار نامهٔ یکی از مخالفان در نامهٔ فیوضات چاپ باکو، مبنی بر یافتن مقادیری مسکوکات دورهٔ اسلامی و ارائهٔ مشخصات ظاهری و درخواست تعیین قدمت آن، مقاله‌ای از میرزا رحیم فنا در یکی از شماره‌های آن نشریه منتشر شد و در این مقاله به صورت مستند و علمی در خصوص سکه‌های مذکور بحث شد. مندرجات این مقاله نشانگر رویکرد علمی مورخ و سواد او به تاریخ اسلام است (فیوضات، نمره ۲۲، ۱۸ جمادی الآخر ۱۳۲۵ ه‍.ق. ۶/۱۰۷-۱۹۰۷ م. - فیوضات، نمره ۲۴، ۱۰ رجب ۱۳۲۵ ه‍.ق. ۷/۱ آگوست ۱۹۰۷ م.).

«تاریخ جدید قراباغ» برای نخستین بار در سال ۱۳۷۰ ه‍.ش. / ۱۴۰۱ م. توسط

ایجاد انجمن‌های ادبی از جمله این خدمات اجتماعی و مدنی به شمار می‌آید. ناتوان بعد از تحمل دوران طولانی بیماری در سال ۱۳۱۵ ه‍.ق. ۱۸۹۷ م. درگذشت و در منطقهٔ عمارت آغدام به خاک سپرده شد (مجتهدزاده، بی‌تا: ۲۷۳-۲۷۹-۸۱-۷۹). (Azərbaycanın əşy və şair rəyləri, 1991: ۷۹-۸۱-۷۹).

عارف رمضانوف تصحیح و از قالب یک نسخه خطی آسیب دیده و مندرس خارج شد و به همراه چندین قزاق‌نامه دیگر در جلد دوم مجموعه «قزاق‌نامه‌ها» انتشار یافت. مقدمه کوتاهی نیز توسط ناظم آخوندوف بر آن افزوده شد (Гарабагнамалар, 1991: 480).

البته این تصحیح چیزی فراتر از تغییر الفبا از عربی به سیریلیک آذری نبود. همین بازخانی ساده در موارد متعددی قرین اشتباه بود. حتی اگر این اشکالات مربوط به نسخه خطی بوده، مصحح اقدام به اصلاح آن و یا توضیحات پاورقی در خصوص شکل تصحیح نداشت کرده است. پس از چندی در سال ۱۳۸۵ هـ.ش/ ۲۰۰۶ م. همین اثر در قالب جلد دوم مجموعه «قزاق‌نامه‌ها» و بدون برطرف شدن اشکالات و نواقص، تجدید چاپ شد.

از جمله این اشکالات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

«شرایط شهرت» به جای «شرایط شهرت»، «لوازمات طهامیه» به جای «لوازمات طهامیه»، «مستنامت» به جای «مستات» و یا «ستفست»، «تهاغم» به جای «تهاجم»، «ملا دلی» به جای «ملا ولی»، «اظهار» به جای «احضار»، «مضطرب» به جای «مضطرب»، «ویران» به جای «ایران»، «واری» به جای «ساری»، «صجف» به جای «توقف»، «منشو» به جای «مشور»، «صویه» به جای «صیه»، «جان‌نثار» به جای «منعفی» به جای «منعقد»، «دامغانا» به جای «دامغانی» (Fana, 2006: 11, 17, 18, 19, 23, 26, 28, 30).

انتخاب عنوان «تاریخ جدید قزاق‌ها» نشانگر این واقعیت است که مورخ با آثار متقدم نوشته شده در موضوع تاریخ قزاق‌ها آشنایی داشته و برای تمایز آن، خویش با آثار پیشین، این عنوان را برگزیده است. از دیدگاه مورخ، این تمایز علاوه بر اینکه بیانگر تقدم و تأخر این آثار می‌باشد، تا حد زیادی ترسیم کننده خط فاصل میان آثار غیرمستند و ناصحیح با آثار مستند و صحیح در موضوع تاریخ قزاق‌ها است (Fana, 2006: 9).

انتخاب عنوان فارسی برای یک کتاب ترکی آذربایجانی را، باید بارزترین نمود

وامداری علمی و ادبی از سنت‌های تاریخ‌نگاری ایرانی به حساب آورد. هر چند این اثر به زبان ترکی آذربایجانی نگاشته شده، با این احوال تأثیرپذیری مورخ از ادبیات مکتوب ترکی عثمانی غیرقابل انکار می‌باشد. از جمله نمودهای این تأثیرپذیری می‌توان به مواردی چون استعمال بیش از حد لغات فارسی و عربی در متن ترکی، بهره‌گیری از برخی واژگان ترکی عثمانی، صرف بعضی از افعال به اسلوب ترکی عثمانی و کاربرد جملات طولانی و پاراگراف‌های طولیل اشاره کرد. مورخ تاریخ جدید قراباغ بارها از واژه ترکی عثمانی «شیمدی» (اکنون) به جای معدل ترکی آذربایجانی آن، «ایندی»، بهره برده است. همچنین وی به هنگام صرف مصدر «بریک» (دانستن) در ضمیر اولین شخص جمع از زمان مضارع استمراری، از فعل «یررز» (می‌دانیم) به جای «بیلیریک» استفاده نموده است (Fona: 2006: 9, 11, 12).

مورخ در سرتاسر کتاب از زبان متکلفی استفاده کرده و خبری از متن روان قراباغ‌نامه‌های متقدم در اثر او وجود ندارد. در بسیاری از موارد، متن کتاب به قدری پیچیده است که کشف معنی کلمات از آن به سختی امکان‌پذیر می‌شود. البته میزان این تکلفات و تصنع‌ات در فصول ابتدایی کتاب بیش از فصول انتهایی آن است. از این رو می‌شود چنین نتیجه گرفت که مورخ تعمداً و برای نشان دادن قدرت ادبی خویش سعی در متکلف ساختن متن داشته است. پس در ابتدای کتاب که دارای انرژی بیشتری بوده، بر این امر پای فشرده و نامتعارف با تقلیل انرژی اولیه، از میزان این پیچیده‌نگاری کاسته شده است.

مورخ همچنین در موارد متعددی از واژگان روسی استفاده کرده است. استعمال این کلمات را نباید نشانه شیفتگی وی نسبت به زبان روسی قلمداد کرد، بلکه این لغات معمولاً اصطلاحات مربوط به نظام اداری دولت روسیه می‌باشند و نویسنده برای ادای حق کلام ناگزیر به استفاده از آن بوده است. از جمله این لغات می‌توان

به مواردی چون «پرستانو»^۱، «گوبرنیا»^۲، «اویزد»^۳ اشاره داشت.

فنا در سرتاسر متن موجود کتاب، اشاره‌ای به تاریخ نگارش آن نکرده است. احتمالاً اگر بخش‌های پایانی آن به صورت کامل باقی می‌ماند، تاریخ تألیف این اثر قابل تشخیص بود.

تعدد فصول از ویژگی‌های بارز کتاب تاریخ جدید قراباغ می‌باشد. به گونه‌ای که مؤلف مطالب مربوط به تاریخ قراباغ از زمان تأسیس خان‌نشین قراباغ تا انعقاد معاهده کورک‌چای را در سی و هشت فصل گنجانده و در چنین وضعیتی مطالب برخی از فصول حتی از یک جمله نیز فراتر نرفته است (Fana, 2006: 20).

گستره زمانی و مکانی این اثر به سان قراباغ‌نامه‌های متقدم، محدوده زمانی و مکانی خان‌نشین قراباغ را دربر می‌گیرد: «تاریخ جدید قراباغ مورد بحث را بر مبنای تاریخ قراباغ در محدوده خان‌نشین تأسیس شده توسط پناه خان و در حیطه حوادث مربوط به آن زمان می‌نگاریم» (Fana, 2006: 10).

مورخ عقیده دارد که پیش از این، تعاریف نام و نشانی از قراباغ در میان نبوده و بعد از تأسیس خان‌نشین مذکور توسط پناه خان حران شیر، قراباغ نیز وارد مذاکرات تاریخی شده است (Fana, 2006: 9). هر چند بر خلاف گفته مورخ قراباغ در قبل از دوران تأسیس خان‌نشین قراباغ نیز از لحاظ سیاسی و نظامی منطقه‌ای مهم و حائز اهمیت بود، اما مراد و منظور نویسنده از این سخن این است که در دوره بعد از تأسیس خان‌نشین قراباغ، به دلیل تعدد وقایع و حوادث، زمینه ظهور تاریخ‌نگاری

۱. pristav, رئیس پلیس محلی در پیش از انقلاب ۱۹۱۷م. روسیه (Azərbaycan dilinin izahlı lüğəti, c3, 2006: 621).

۲. quberniya, واحد انتظامی در روسیه تزاری و سال‌های نخست حکومت شوروی معادل ولایت که تحت نظر مقامی بنام گوبرناتور اداره می‌شد (Azərbaycan dilinin izahlı lüğəti, c3, 2006: 199).

۳. tuzed, واحد انتظامی در روسیه تزاری معادل ناحیه و قضا که تحت نظر مقامی بنام بخارلیک اداره می‌شد (تقی زاده, Azərbaycan dilinin izahlı lüğəti, c4, 2006: 410, ۱۲: ۱۳۷۷).

محلی در قزاق فراهم شد.

فنا، کتاب «تاریخ جدید قزاق» را با پیشگفتاری کوتاه آغاز نموده که در آن درباره کاستی‌های موجود در قزاق‌نامه‌های پیشین و لزوم نگرش قزاق‌نامه‌ای جدید سخن به میان آمده است. وی در ادامه کتاب در مقدمه‌ای کوتاه در خصوص محدوده زمانی و مکانی این اثر و دلیل انتخاب آن بحث کرده است (Fana, 2006: 9).

پس بر آن، حدود ایالت قزاق به صورت دقیق بیان شده است. هر چند وجود چنین بخشی در قزاق‌نامه‌های متأخر و از آن جمله «تاریخ جدید قزاق» به تقلید از «تاریخ قزاق» میرزا جمال جوانشیر صورت پذیرفته، اما فنا مطالب این فصل را بسیار دقیق‌تر و بیشتر از جمال جوانشیر نگاشته است (Fana, 2006: 10). جوانشیر قزاقی، (۱۳۸۴: ۷۷).

در ادامه درباره تأسیس ولایت، شاه‌بلاغی و شوشی توسط پناه‌خان و روابط وی با ملوک خنوسه ارمنی و اطلاعات رزشمندی ارائه گشته است (Fana, 2006: 11-14).

مورخ، اطلاعاتی ناقص و بدون ترجمه درباره درگیری پناه‌خان با حاجی چلبی شکی‌لو و تهاجمات محمدحسن‌خان قاجار و حاجی‌خان افشار به قزاق ارائه داده است. این اطلاعات را باید تلخیص ناشیانه‌ای از مطالب مندرج در قزاق‌نامه‌های متقدم دانست (Fana, 2006: 15-17). در ادامه، موضوع درگذشت پناه‌خان در ایام گروگانی در دربار کریم‌خان زند و جانشینی ابراهیم‌خان در ترجمه مورخ قرار گرفته است (Fana, 2006: 17, 18).

مرتبط بودن سرنوشت خان‌نشین قزاق با وضعیت سیاسی ایران مرخ را بر آن واداشت تا به تشریح اوضاع و احوال ایران در بعد از مرگ کریم‌خان زند و در اوایل قدرت‌گیری آقا محمدخان قاجار بپردازد (Fana, 2006: 18, 19). سپس از روابط خان‌نشین قزاق با خان‌نشین‌های همسایه و دولت قاجار سخن به میان آمده و

در این بین ماجرای گروگان رفتن عبدالصمد بیگ، عموزاده ابراهیم خان به دربار قاجار و قتل وی در جریان فرار از این دربار تشریح شده است (Fana, 2006: 21).

مورخ در بخش‌های بعدی کتاب از دو لشکرکشی آقا محمدخان قاجار به قراباغ و محاصره شوشی بحث می‌کند. سپس از تسخیر این شهر در جریان تهاجم دوم خبر می‌دهد و بعد از آن به توصیف ماجرای قتل آقا محمدخان در شوشی می‌پردازد (Fana, 2006: 22-24).

قدرت‌گیری محمد بیگ، برادرزاده ابراهیم خان، در دوران فقدان حضور وی در شوشی، احوالات ملا به واقف^۱ خصوصاً چگونگی قتل او در بعد از کشته شدن آقا محمدخان قاجار، بازگشت ابراهیم خان به شوشی و بهبود روابط وی با دولت ایران در دوران سلطنت فتح‌آلی‌شاه از دیگر مباحث موجود در تاریخ جدید قراباغ می‌باشد (Fana, 2006: 25, 26).

مورخ در ادامه از پیشروی‌های روسیه در اراضی قفقاز جنوبی سخن می‌راند و به موضوعاتی چون قرار گرفتن گرجستان تحت حمایت دولت روسیه، تسخیر گنجه به دست ارتش روسیه و تلاش این دولت برای استیلای بر ایروان و قراباغ می‌پردازد (Fana, 2006: 27, 28).

در پایان از انعقاد معاهده کورک چای در سال ۱۲۱۰ ق. / ۱۸۰۵ م. فی ما بین ابراهیم خان و سیسیانوف و سپس پشیمانی ابراهیم خان و بازگشت او به طرف دولت

۱. ملا پناه واقف در سال ۱۱۲۹ ه. ق. ۱۷۱۷ م. در محال قراق متولد شد. وی پس از پایان تحصیلات به شغل مکننداری پرداخت و این شغل را در بعد از مهاجرت به قراباغ ادامه داد. به دلیل دانش و معرفت بسیار به نماد دانندگی در منطقه مبدل شد و ضرب‌المثل هر درس اوخویان ملا پناه اولمدا! (هر درس خوانده‌ای ملا پناه نمی‌شود!) در وصف او بر سر زبان‌ها افتاد. در سایه همین دانی به دربار ابراهیم خان جوانشیر قراباغی، خان قراباغ، جذب شد و به مقام ابشیک آقاسی‌گری این دربار نایل گشت. وی در جریان تسخیر قراباغ به دست آقا محمدخان قاجار به اسارت درآمد، اما به دلیل کشته شدن شاه قاجار، از مجازات مرگ رزید. اما چندی بعد در سال ۱۲۱۲ ه. ق. ۱۷۹۷ م. به دست محمد خان جوانشیر قراباغی، از مدعیان حاکمیت بر خازن‌لشین قراباغ، کشته شد (مجتهدزاده، بی‌تا: ۸، ۹؛ ۶). (Arash, 2004: s 6).

ایران و سرانجام کشته شدن او در این عقیده توسط روس‌ها بحث شده است. مورخ در مقدمه کتاب در خصوص دلیل نگارش این اثر سخن رانده است. وی در این بخش، تواریخ متقدم قراباغ را آثاری مجمل، ناقص و غیر منطبق با اسناد دانسته است. از دید او این نقص به قدری بوده که وی را به نگارش «تاریخ صحیح قراباغ» و یا «تاریخ جدید قراباغ» واداشته است (Fana, 2006: 9).

کتاب «تاریخ جدید قراباغ» جزء تواریخ محلی وقایع نگارانه به شمار می‌آید و در آن روایتهای مختلف به ترتیب زمان وقوع یکی پس از دیگری تشریح شده‌اند. برادرات مودخ بر قراباغ‌نامه‌های پیشین و تأکید او بر لزوم مستند بودن آثار تاریخ نگاری محلی قراباغ، در ابتدای امر این فکر را در ذهن تداعی می‌کند که مورخ، تاریخی با اعتبار کمتر از تواریخ پیشین ارائه خواهد داد (Fana, 2006: 9). فنا به مانند بسیاری از قراباغ‌نامه نگاران پیش از خود، با دل بستگی کمتری نسبت به خوانین قراباغ فلم فریبی در آثار او نه تنها اثری از تملق و چاپلوسی نسبت به دولت روسیه نیست بلکه ریاضی صراحت کامل از بسیاری از حقایق مربوط به استیلای این دولت بر اراضی قفقاز را می‌راند. در بیان استیلای روسیه بر گرجستان.

«دولت روسیه | ظاهراً بر عجز و لایه‌های گرجستان ترحم نموده و قصد معاونت آن را نموده است و باطناً فرصت مناسبی را برای تحاحب قفقاز پیدا کرد. که سال‌ها در آرزوی آن بود» (Fana, 2006: 26).

در بیان استیلای روسیه بر گنجه:

«قشون روسیه حمله کرده بر حصار [گنجه] غلبه کرده، جو، حاز و برش را کشته و سایر افراد قشون مسلمان را قلع و قمع ساخت. تمامی اموال قلعه را غارت نمود» (Fana, 2006: 27).

در بیان طرفداران دولت روسیه در اراضی خان نشین قراباغ:

«در هر خان نشینی افراد عاجز و ناموس فروش وجود دارد که در برابر

دشمن روسی ملت خود را می فروشد و دست به شمشیر نمی برد و برای نوکری دشمن حاضر می گردد [...] پس خوانین از کجا قشون حقیقی و هنرمند پیدا کنند و در برابر لشکر روسیه ظاهر گردند» (Fana, 2006: 28).

فنا در سرتاسر متن کتاب، علاقه و دلبستگی خود به ایران را پنهان نمی کند. او در قسمتی از این اثر، از ایران تحت عنوان «چشم و چراغ ممالک عالم» یاد می کند (Fana, 2006: 19) و در بخش های پایانی کتاب به هنگام بحث درباره نقش دو دولت ایران و روسیه در تحولات سیاسی و نظامی قزاق، جانب ایران را می گیرد. از دیدگاه وی معاهدات کورک چای و قرار گرفتن قزاق زیر بیرق دولت روسیه حادثه ای بود که در آن هیچ خیر و وجود نداشت و این امر موجب بی اعتباری ابدی خان نشین قزاق در نزد دولت ایران شد (Fana, 2006: 29, 30). وی همچنین در بیان ستیز ایران و روسیه در قبال دو جنگ های ایران و روس، ضمن بیان تلاش دلیرانه سپاهیان ایران، از روس ها شکست خورده در حال فرار تحت عنوان تحقیرآمیز «گله گوسفند» یاد می کند (Fana, 2006: 30).

مورخ، طیفی از اطلاعات جغرافیای تاریخی را در سرتاسر کتاب ارائه داده است. مشهورترین این اطلاعات به دیدگاه و نظر او در خصوص حدود آذربایجان مربوط می شود. وی در ابتدای کتاب، قزاق را «جز عظیم آذربایجان قدیم» دانسته (Fana, 2006: 9) و در پایان کتاب متفاوت با آن، آذربایجان و قزاق را دو واحد جغرافیایی مجزا معرفی کرده است (Fana, 2006: 30). این تناقض گویی به آنجا شأت می گیرد که جغرافیای مورد بحث در دوره صفویه از لحاظ سیاسی - اداری از اصل دو سوی رود ارس و از آن جمله قزاق را دربر می گرفت (میرزا اسمعیل، ۱۳۷۸: ۱۷۶)، حال اینکه در دوره های متأخرتر این جغرافیا بیشتر به سرزمین های واقع در جنوب رود ارس محدود شد.

وی نگاه واقع بینانه ای به جریان به گروگان رفتن پناه خان به شیراز دارد. چنانچه رفتن او به شیراز را بنا بر احضار کریم خان زند می داند و از کدورت قلبی

ابراهیم خان به دلیل مسئله وفات پدر در شیراز سخن به میان می آورد. با وجود این، وی در این بخش از کتاب دو تاریخ وفات را برای پناه خان بیان کرده است که این امر موجب سردرگمی خواننده می شود (Fana, 2006: 17, 18).

فنا از جمله علاقمندان به شخصیت ملا پناه واقف است. به گونه ای که فصل مجزایی را به شرح وقایع حیات او در ایام تصرف شوشی توسط پناه خان و بعد از آن اختصاص داده و از کشته شدن وی توسط محمد بیگ جوانشیر تحت عنوان «شهادت» یاد کرده است (Fana, 2006: 24, 25).

اطلاعات نرسیده در خصوص وضعیت عالی آغا بیگم آغا^۱ در حرم سرای فتحعلی شاه و موقعیت خطاب قرار گرفتن او در مکتوبات پادشاهان انگلیس و روسیه یادآور اطلاعات بیگم صدر قاجار در خصوص این شخصیت است (Fana, 2006: 26).

خاوری در این خصوص می نویسد:

«در سالی که جناب سرگورانی (ارونت ایلچی دولت بهبه انگریز^۲ به دربار معدلت آمیز به جهت تأکید معاهدات^۳ آمده، زوجه محترمه اش نیز از جانب مخدرة پادشاه ذی جاه انگریز و هندوستان به جانب بانوی حرم سرای شاهنشاه صاحبقران سفیره بود. حضرت اعلی سفیره را در اندرون همایون احضار فرمود. اگرچه بانوان و خاتونان از ملک زادگان و سرزادگان در حرم سرای اعلی زیاده از اندازه به هم می رسید، ولیکن حضرت اعلی، این سخاوت معظمه را به جهت

۱. آغا بیگم آغا دختر ابراهیم خان جوانشیر در سال ۱۱۹۴ ه.ق. / ۱۷۸۰ م. در شوشی متولد شد. در سال ۱۲۱۶ ه.ق. / ۱۸۰۱ م. به عقد فتحعلی شاه قاجار در آمد. وی از آن تاریخ تا پایان عمر در نهران زیست و بعد از وفات در سال ۱۲۴۸ ه.ق. / ۱۸۳۲ م. جهت تدفین به قم انتقال یافت. آغا بیگم آغا به زبان های فارسی و ترکی آذربایجانی شعر می سرود و در شعر و شاعری تخلص آغاجانی را برگزیده بود (Azərbaycanın azərbaycanlı şairləri, 1991: c. 30; Azərbaycan qadın şairləri antologiyası, 2005: 28). بی تا: ۷، ۸.

۲. انگلیس

شهرت در اصالت حسب و نسب، به بانویی حرم محترم برگزید. عمارت مرغوبی مشهوره به «طنابی» از اندرون همایون را زینت دادند و تختی مرصع در وسط ایوان نهادند و جمیع نسوان اندرون از خاتونان و خدومه، سر تا پا مکمل از جواهر، در دور دایره حیاط جای به جا ایستادند. حضرت معظمه با تاج و جبقه مجوهر و کمر و بازوند و سایر اسباب آراسته از لعل و گوهر و لباسی از هر فاخر افخر بر فراز تخت فلک فر تکیه کرد.

سرت حاجی میرزا علی رضای شیرازی، خلف مرحوم حاجی ابراهیم خان اعتماد الدوله که از حب و شهر از جمیع محارم اندرون همایون بود، زوجه محترمه ایلچی را بر داشت و طریقی که سفرای بزرگ را به حضور سلاطین سترک می‌بردند، روی به درون همایون گذاشت. در پیشگاه حضور عالیه چون سالاربار عرض کرد و حضرت علیه روحه الجی را خواسته به اندرون ایوان آورد. نامه‌ای که از جانب زوجه پادشاه در اجاه انگریز داشت، با یک قطعه عنبرچه تمام الماس، که مبلغ هفت هزار تومان قیمت آن بود، در گوشه تخت و خدمت آن بانوی آسمان رخت بر زمین گذاشت. تا آن روز، یدۀ روزگار عشرت آموز، آن همه اساس شوکت و جلالت و آن همه نسوان جواهریوش را که ساحت و ناحیت ندیده بود. گوش هیچ آفریده‌ای نیز در هیچ روزگار نشنیده بود. شیرازی، ج ۳، ۱۳۸۰: ۱۰۴۴، ۱۰۴۵.

سرجان ملکم نیز در سفرنامه خود از مقام والای آغا، بسم آغا در دربار فتحعلی شاه سخن به میان می‌آورد: «بیش از سیصد خانم با توجه با مقام شخصیت خود نزدیک مسند او [فتحعلی شاه] صف می‌کشند به طوری که به می‌گشایند تنها دو تن از زنان او اجازه نشستن دارند، یکی مادر ولیعهد و دیگری دختر ابراهیم خان شیشه» (ملکم، ۱۳۶۹: ۱۷۳).

مورخ در سرتاسر متن کتاب به صورت مستقیم به منابع و مآخذ مورد استفاده خود اشاره نکرده است. با وجود این، از مقدمه کتاب چنین بر می‌آید که وی از

قزاق‌نامه‌های پیشین بهره جسته و مطالب مندرج در آن را با اسناد و مدارک اداری که گویا به دلیل رسیدگی به امور دیوانی مهدی‌قلی خان جوانشیر بدان دسترسی داشته، تطبیق نموده است (Fana, 2006: 9). برای نمونه وی متن کامل معاهده کورک جای را در اثر خود آورده است که با متن اصلی معاهده عیناً مطابقت دارد (tarixi yaddaş-kargüzarlıq sanadları, 2009: 31-34).

فنا در همان بخش‌های آغازین کتاب از قزاق‌نامه‌های میرزا جمال جوانشیر و میرزا آدی‌گوزل بیگ به عنوان نخستین آثار در این خصوص یاد کرده است. از این رو به نظر می‌رسد این دو اثر اصلی‌ترین آثار مورد رجوع مورخ محسوب می‌گردد (Fana, 2006: 9). فنا در این اثر از اطلاعات شفاهی نیز بهره جسته، چنانچه در بخشی از کتاب آورده است: «خبر تاریخی وجود ندارد اما گفته می‌شود [...]» (Fana, 2006: 25).

نظام تبویب و ترتیب طرح مقایع کتاب نشانگر این واقعیت است که فنا در نگارش این اثر از تاریخ قزاق میرزا جمال تأثیر پذیرفته است.